

OF THE END OF IRI BEGINNING

<http://www.ghandchi.com/448-aghazepavan-plus.htm>



سام قندچي

آغاز پایان جمهوری اسلامی

من سالهاست که در جنبش سیاسی ایران فعال هستم و تا به حال از ارائه ارزیابی درباره نقطه پایان جمهوری اسلامی و نیز درباره آنکه مردم در ایران چه باید بکنند پرهیز کرده ام.

دلیل پرهیز اول این بوده است که عوامل بسیار زیادی دخیل هستند که کار پیش بینی مشخص را تقریباً غیر ممکن میکنند. درباره دومی نیز از آنجا که من در خارج زندگی میکنم همیشه فکر کرده ام بهتر است نظرات کسانی که در ایران هستند را مد نظر بگیرم تا آنکه بگویم کسی که در ایران است چه کار کند.

امروز اولین باری است که در مورد اول میتوانم به جرئت بنویسم که پایان جمهوری اسلامی از این هفته شروع شده است و در سطور زیر در بخش اول این مقاله توضیح میدهم که چرا اینگونه می بینم.

در مورد دوم نیز برای اولین بار فکر میکنم که در این هفته جنبشی که پایان دادن به جمهوری اسلامی را رقم خواهد زد مشخص شد و آنرا هم در بخش دوم این مقاله توضیح خواهم داد.

بنظر من وقایع لبنان در این هفته باعث شد که پایان جمهوری اسلامی آغاز شود. چرا؟ بنظر من سالها جمهوری اسلامی از نظر ایدئولوژیک فتح قدس و تعهد خود به فلسطین را اعلام کرده بود. درست است که در مورد عراق هم اولین تحریکات خمینی علیه عراق ایدئولوژیک بود و از فتح کربلا سخن میگفت و این هم درست است که وقتی عراق به ایران حمله کرد، جمهوری اسلامی به هر حال وارد جنگ متقابل شد، اما خیلی زود دفاع ایران رنگ ایدئولوژیک اسلامی خود را از دست داد و برای مقابله مؤثر با عراق رنگ ملی گرفت و بالاخره هم تن دادن به صلح بعدی با صدام از دلیل منافع ملی سود جست.

به هر حال در مورد عراق نه موضوع آنقدر رنگ ایدئولوژیک گرفت و نه جمهوری اسلامی ظاهراً از ادعاهای خود چندان عقب نشست و با چرخش به ملی گرایی خود را راحت کرد و امروز هم پس از سقوط صدام دوباره از وحدت شیعیان با عراق سخن گفته میشود وقتی که اساساً دولت در دست شیعیان و هزینه ای برای جمهوری اسلامی ندارد.

در مقابل روش جمهوری اسلامی در ارتباط با فلسطین برای نزدیک 30 سال برخورد ایدئولوژیک بوده است و با حکومت احمدی نژاد و شعارهای اوائل انقلاب خمینی درباره اسرائیل و اضافه کردن شعارهای درباره هولوکاست، جمهوری اسلامی این راه طولانی ادعاهای ایدئولوژیک دفاع از اسلامگرایی در فلسطین و هدف نابودی اسرائیل به دلائل ایدئولوژیک را به اوج خود رساند. در چنین شرایطی ناگهان دو نیروی اصلی اسلامگرا در فلسطین و جنوب لبنان، یعنی حماس و حزب الله، در پی تحریکات جمهوری اسلامی با اسرائیل درگیر شدند. در چنین زمانی پس از آنهمه نمایش سلاح های دور برد توسط جمهوری اسلامی، از یکسو فوراً سوریه اعلام کرد که در مخاصمات شرکتی ندارد و جمهوری اسلامی هم گفت در صورت حمله به سوریه اسرائیل با جهان اسلام روبرو میشود، شعاری که معنایش این است که جمهوری اسلامی کاری بیش از همان کمک ها و تحریکات را برای نیروهای فلسطینی اسلامگرا نخواهد کرد و جمهوری اسلامی از ارائه طرح های آتش بس صحبت میکند یعنی رسماً حزب الله لبنان بعنوان مزدور آنها بایستی کشته بدهد و جمهوری اسلامی معامله کند.

یعنی در فرصتی که برای جمهوری اسلامی ایران پس از سی سال شعار دادن ایدئولوژیک اهداف اسلامگرایی برای نابودی اسرائیل بوجود آمد، جمهوری اسلامی جا خالی کرد و رئیس جمهور آن پس از یک شعار توخالی در ارتباط با سوریه، که اصلاً یک حکومت ایدئولوژیک اسلامی در آن منطقه نیست، به کار روزانه شعار دادن و سخنرانی برای باصطلاح جوانان در ایران برگشته است. یعنی تمام حامیان ایدئولوژیک جمهوری اسلامی در فلسطین و نقاط دیگر از اینجا بعد راه نا امیدی از اینکه شعارهای ایدئولوژیک اسلامگرایان ایران بیش از حرف نیست را پیش روی خود دارند. من قبلاً مفصلاً توضیح داده ام که چرا کارل پاپر گفته است که شوروی در زمان بحران 1962 کوبا به پایان رسید چرا که آن زمان اولین فرصت برای نابودی غرب پیش آمد که ده ها سال کمونیسم شوروی حرفش را زده بود و در آن لحظه انجام ندادن ادعا به مشروعیت شوروی پایان داد و تیک تاک ساعت برای سقوط آن سیستم آغاز شد [http://www.ghandchi.com/441-OmidKazeb.htm].

چرا جمهوری اسلامی به اسرائیل حمله نمیکند؟ جمهوری اسلامی بخوبی از تجربه جنگ عراق آموخته است که مردم ایران اهل جنگ ایدئولوژیک برای اسلام نیستند و خود اینکه جمهوری اسلامی جنگ عراق را توانست تا هشت سال ادامه دهد بخاطر جنبه دفاع ملی گرفتن آن بود و مضافاً آنکه بعد از جنگ عراق احساسات ضد جنگ در ایران آنقدر قوی شده است که حتی درگیری در جنگ دفاعی هم آنقدر ساده نیست تا چه رسد به جنگ تهاجمی بویژه اگر جنگی ایدئولوژیک باشد و بخاطر اسلامگرایی راه بیافتد. در واقع احساسات صلح طلبی و ضد جنگ در ایران آنقدر قوی است که دولت جمهوری اسلامی از آن برای مقابله با غرب در بحث های مربوط به انرژی اتمی سود جست است. این واقعیت من را به موضوع دوم میرساند.

موضوع دومی که مطرح کردم این است که این هفته پس از سالها اولین باری است که میتوانم به جرئت بگویم جنبشی که پایان دادن به جمهوری اسلامی را رقم خواهد زد مشخص شد و آنهم جنبش برای ایران و جهانی فراسوی جنگ است. من سالها پیش درباره موضوع فراسوی جنگ مفصلاً نوشتم و هدفم در اینجا تکرار آن بحث نیست [http://www.ghandchi.com/357-BeyondWar.htm].

بحث من این است که جنبشی که با فراخوان اکبر گنجی در هفته گذشته تحت عنوان اعتصاب غذا برای آزادی زندانیان سیاسی انجام شد و تأکید وی بر روی مسأله صلح که اساساً بخاطر صلح طلبی در برابر احتمال حمله آمریکا به ایران مطرح شد فوراً ابعاد وسیعی گرفت و آنها که در ایران از آن پشتیبانی کردند اساساً حمله آمریکا را به درست یا به غلط، واقعی نمیبیند، و دلیل بلند کردن فریاد صلح طلبی شان خطر حمله ایران به اسرائیل بود. در واقع مردم ایران از شروع جنگی ایدئولوژیک اسلامگرایی توسط دولت جمهوری وحشت داشتند و به همین جهت این حرکت خیلی زود ابعاد گسترده یافت و حرف های خامنه ای که فقط شعارهای توخالی درگیر شدن در فلسطین را تکرار میکرد با عکس العمل های شدید در محافل بالای حکومتی در ایران مواجه شد. این ها آن چیزی است که من آغاز سقوط جمهوری اسلامی مبینم.

برخی در این دوره به بحث درباره جهت گیری های آقای گنجی نشسته اند و درباره گذشته های دور او سخن میگویند یا از نزدیکی های کنونی وی به برخی اصلاح طلبان ارتجاعی [http://www.ghandchi.com/249-ReactionaryReformism.htm]. تا آنجا که به دموکراسی اسلامی مربوط میشود من قبلاً مفصلاً توضیح داده ام و نیازی به تکرار نیست [http://www.ghandchi.com/308-IslamicDemocracy.htm]. بنظر من آقای گنجی در سفر اول خود به خارج و بعد از شرکت در کنفرانس برلین و افشاگری دلیرانه درباره قتل های زنجیره ای که موضوع اصلی جنبش سیاسی ایران در آن زمان بود، به زندان رفت. این بار هم ایشان با جنبش اصلی که بنظر من پایان جمهوری اسلامی را رقم خواهد زد سمت گیری کرده اند. اما جریانات مختلف جنبش سیاسی ایران رهبران خود را دارند و خواهند داشت که یکروزه شکل نگرفته اند و شکل هم نخواهند گرفت. شخصیت کثی از ایشان بخاطر اختلاف با نظریات سیاسی و فکری شان همانقدر غلط است که شخصیت کثی از مثلاً رضا پهلوی برای جمهوری خواهان ایران. آقای رضا پهلوی رهبر سلطنت طلبان و مشروطه خواهان ایران هستند و طبعاً کسانی که با احیاء سلطنت مخالفند، نظیر خود من، در این زمینه با ایشان مخالفند ولیکن این امر دلیل بر ترور شخصیت کردن از ایشان نیست که بنظر من در این سالها تعهد خود به دموکراسی را بارها خاطر نشان کرده اند. جنبش سیاسی ایران رهبران خود را خواهد داشت و شاید هیچگاه دوباره فقط یک رهبر نخواهد داشت چرا که بیشتر و بیشتر یک جنبش پلورالیستی است.

به بحث اصلي برگردم. در واقع با تصميم دولت ايران که بنظر ميرسد شبیه میانجی آتش بس اسرائيل و فلسطين شده است ما آغاز یک جنگ سرد بين جمهوری اسلامي و اسرائيل و غرب را شاهد خواهیم بود و در این دوران، جنبش دموکراتیک، عدالت خواه و حقوق بشري ايران از کانال جنبش برای ايران فراسوي جنگ خواهد گذشت چرا که همه مردم ايران از این خواست آگاه بوده و مورد حمایتشان است که نمیخواهند گوشت دم توپ برای ماجراجویی های ایدئولوژیک رهبران اسلامگرای جمهوری اسلامي شوند و در هر قدمی در آنسو جلوي رژیم خواهند ایستاد. از امروز دیگر در هر کوي و برزن با شعارهای ایدئولوژیک تحریک آمیز در مورد اسرائيل و فلسطين و راه قدس بایستی مقابله شود. مردم ما جنگ نمیخواهند و بخوبی آگاہند که همانطور که در جنگ با عراق شیعیان کشورهای عربي به دفاع از ایرانیان بر نخواستند، در هر جنگ با اسرائيل هم مسلمانان عرب، چه شیعه و چه سنی، ما را تنها خواهند گذاشت و فقط ملت و کشور ايران خواهد بود که در چنین ماجراجویی ایدئولوژیک اسلامگرایان گوشت دم توپ خواهد شد.

بنظر من جنبش هفته گذشته نشان داد که چه پتانسیل عظیمی در جنبش صلح طلبی در میان ایرانیان در داخل کشور وجود دارد و اینکه این جنبش آغاز یک حرکت بزرگ در راه ایرانی صلح طلب و فراسوي جنگ است و بنظر من در برهه زمانی حاضر تجربیات سازمان فراسوي جنگ که در زمان جنگ سرد آمریکا و شوروي شکل گرفت و به پایان یافتن سیستم شوروي یاری رساند برای ما بسیار مفید است. من در مقاله ای که ذکر کردم در این باره قبلاً مفصلاً توضیح داده ام [http://www.ghandchi.com/357-BeyondWar.htm].

به امید **جمهوری آینده نگر**، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ايران

سام قندچی، ناشر و سردبیر
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

27 تیر 1385

July 18, 2006

متن مقاله به زبان انگلیسی

<http://www.ghandchi.com/448-aghazepavanEng.htm>

مطالب مرتبط:

<http://www.ghandchi.com/600-SecularismPluralism.htm>

مقالات تئوریک

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>